

عنوان مقاله:

جغرافیای ملکوتی و اوقات عرفانی

محل انتشار:

دو فصلنامه پژوهشهای ادب عرفانی (گوهر گویا)، دوره 10، شماره 1 (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 26

نویسندگان:

رحمان مشتاق مهر - دانشگاه شهیدمدنی آذربایجان

ویدا دستمالچی - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، آذربایجان، ایران

خلاصه مقاله:

زبان رمزی و نمادین روایات و تمثیل‌های عرفانی علاوه بر انتقال شبکه‌ای از مفاهیم قدسی و تجربیدی، مملو از تصاویر عینی مجردی است که ملکوت را با صورت‌های زمینی توصیف می‌کند. گرچه اصل اساسی لامکان و لازمان در مباحث جهان‌های بالاتر از فلک قمر، یعنی عالم ملکوت و بالاتر، همواره مورد توجه عرفا بوده‌است اما در برخی از رسایل فلاسفه اشراق گرا مانند ابن‌سینا یا عرفای اشراقی مانند سهروردی یا متکلمان عرفان گرا مانند امام محمد غزالی، زبان رمز و نماد در ترسیم جغرافیای ملکوتی و جزئیات آن، کارآمدتر از نظریه‌های خشک فلسفی و کلامی عمل کرده است؛ حتی بخشی از تمثیل‌های جغرافیای ملکوتی با آیات قرآن، اشارات عهدین، روایات مذاهب و روایات ملی و اسطوره ای نیز همخوانی دارد. اگرچه تئوری جغرافیای ملکوتی در نظریه‌های دینی، فلسفی و عرفانی لامکان و لازمان محل یقین علما و فلاسفه است اما در جهان شناسی عرفانی جهت دیگری را معرفی می‌کند؛ جغرافیایی که دقیقا در دل لامکان واقع شده‌است و زمان های آن همه بر مدار لازمان است. رساله‌الطیبرهای موجود در ادبیات عرفانی و برخی دیگر از رسائل رمزی یا نمادین، در ارائه تصویر جغرافیای ملکوتی برای سالکان حقیقت همواره جذابیت فکری و هنری داشته‌است و آنان را به سرزمینی دعوت کرده‌است که در جهت شناسی جغرافیایی قدسی، می‌تواند شمال، مشرق یا حتی غرب باشد.

کلمات کلیدی:

ادبیات نمادین، جغرافیای ملکوتی، اشراق، وقت، رساله الطیبرها

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1208569>

